

## تحلیل روایی گفتمان قرآن در خصوص ضرب و شتم زنان

فائزه عظیم‌زاده اردبیلی (دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیهم السلام / نویسنده مسئول)

azimzadeh@isu.ac.ir

فاطمه کمالی (کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث از پردیس فارابی دانشگاه تهران)

fkamali@ut.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۷) (تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۱)

### چکیده

در آیه ۳۴ سوره نساء، در مقابل نشوز زنان، جواز ضرب به شوهران داده شده است تا ایشان را به اطاعت وادارند. واژه ضرب در این آیه از جمله مفاهیمی است که با توجه به فحوای کلام و محل صدور آن معانی گوناگونی را به ذهن مبتادر می‌کند و از دیرباز بسیاری از دانش‌پژوهان چراجی و چگونگی ضرب مورد نظر را به بحث گذارده و دیدگاه‌هایی را برگزیده‌اند، از دیگر سو برخی با برداشت‌هایی نادرست قایل به ظلم و اجحاف در حق زنان شده و این آیه را مصداقی از ظلم به زنان تلقی کرده‌اند. فهم درست از معنای «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء با نظر به روایات شیعه و اهل سنت و همچنین دیدگاه‌ها و نظرات آیة‌الله خامنه‌ای به عنوان مفسر، فقیه و رهبر جامعه اسلامی در خصوص نحوه برخورد با زنان و دیدگاه فقهی ایشان در خصوص مجوز زدن زنان توسط شوهرانشان از اهداف این پژوهش است. روش این اثر استادی - کتابخانه‌ای با رویکرد کیفی است که با دیدی نقادانه به این نتیجه دست می‌آید که هرگونه رفتار ناشایست با زنان خلاف شرع است و آن‌چه در این آیه به عنوان ضرب بیان شده با توجه به تبیین‌هایی که از این مفهوم در روایات و بیانات و دیدگاه‌های آیة‌الله خامنه‌ای عنوان شده، دور از تنبیه فیزیکی است و معنای آن قربت بیشتری با ضرب به معنای آزار روحی دارد.

کلید واژه‌ها: آیة‌الله خامنه‌ای، آیه ۳۴ سوره نساء، ضرب زن، نشوز زن.

## ۱. مقدمه

توجه به حفظ خانواده به عنوان اجتماع کوچک انسانی مستلزم توجه به حقوق متقابل طرفین و احترام به جایگاه هر یک از اشخاص خانواده است. در دین اسلام حقوق و وظایف متقابلی برای هر یک از اعضای خانواده تبیین شده تا با عمل بدان‌ها از هرگونه تنفس که آسیب‌زننده به آرامش و نشاط خانواده است، جلوگیری کند. در این بین مسئله حقوق زن در اسلام - با وجود رگه‌های معرفتی و توجه عمیق تقلین بدان - هنوز در مواردی دارای ابهاماتی است. یکی از این حقوق، حفظ جایگاه و احترام به زن در کانون خانواده است. در آیه‌ای از قرآن کریم استنکاف احتمالی زن از ایفای نقش همسری بیان شده که در پی آن احکامی برای پیشگیری از آن در نظر گرفته شده است:

﴿الْرَّجَالُ قَوْمٌ عَلَى الِّيَّاسِإِيمَانًا فَضَلَّ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَنْوَالِهِمْ  
 فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتُ حَافِظَاتُ لِلْعَيْبِ بِمَا حَفَظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعَظُولُهُنَّ  
 وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنْتُكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَيِّلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ  
 عَلَيْتُمْ كَبِيرًا﴾ (نساء، ۳۴).

از جمله این احکام مطرح شده در این آیه «ضرب زنان» است که شباهتی را در پی داشته و برخی آن را به معنای ظلم به زنان دانسته‌اند. پژوهش حاضر متکفل واپژوهی مفهوم ضرب در آیه مذکور و حدود و ثور آن و همچنین نحوه برخورد با مسئله ضرب زنان در جامعه اسلامی از نظرگاه روایات و بیانات آیة الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جامعه اسلامی است.

### ۱-۱. بیان مسئله

آیه ۳۴ سوره نساء - که عهددار بیان احکام درون خانوادگی و فیما بین زوجین است - به بیان مسائلی چون نشوز زنان و راه‌های مقابله با آن پرداخته که از جمله این راه‌کارها، «ضرب زنان» بوده است. نظر به این که دستورات الهی بر مبنای اصل عدالت و فطرت انسانی صادر می‌شود و ظلم به انسان‌ها به هیچ روی مورد پذیرش قرار نگرفته و در ازای ظلم، مجازات تعیین شده است و از سوی دیگر، برخی با برداشت‌های ناصحیح، این آیه را مصدقی از ظلم به زنان دانسته‌اند، لذاست که در فهم معنای ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء - که عمده مفسران و محدثان آن را به «ضرب غیر مبرح» معنا کرده‌اند - باید عمیق‌تر نگریست؛ چه به نظر می‌رسد، چنانچه دلایل روایی و محکمی مبنی بر ضرب به معنای غیر از زدن داشته باشیم، شایسته است که ضرب را به

آن صورت معنا کنیم که در این صورت، شباهت پیرامونی این دیدگاه، همچون کیفیات، مقدار و شدت و... خود به خود از بین خواهد رفت.

هدف اصلی از این پژوهش رسیدن به فهم درست و حقیقی از «ضرب» در آیه ۳۴ سوره نساء با توجه به روایات و پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱. علت صدور حکم ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء چیست؟

۲. در آیه ۳۴ سوره نساء چه راه‌کارهایی در مقابل نشوز زنان مطرح شده است؟

۳. مفهوم و مصدقاق حقیقی ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء با توجه به روایات شیعه و اهل سنت چیست؟

۴. آیة‌الله خامنه‌ای به عنوان فقیهی معاصر و رهبر جامعه اسلامی چه جایگاهی برای زنان قایل هستند و در مقابل توهین و ضرب به زنان چه موضعی دارند؟

## ۱-۲. فرضیه

نظر به روایات معصومان علیهم السلام، ضرب مورد نظر در آیه ۳۴ سوره نساء به هیچ روی به معنای ضرب جسمی نیست و باید آن را به معنایی غیر از ضرب جسمی حمل کرد و همچنین مصدقاق آیه مذکور، به دلیل فضای حاکم بر آیه، تنها در حیطه مسائل زناشویی است که جزو حقوق یا تکالیف زوجین است؛ همچون عدم پرداخت نفقة در قبال عدم تمکن زن.

## ۱-۳. پیشینه

درباره آیه ۳۴ سوره نساء دیدگاه‌ها و نگاشته‌هایی موجود است که در پی به آن اشاره می‌کنیم:

### ۱-۳-۱. پیشینه نظری

در آیه ۳۴ سوره نساء «ضرب» به عنوان راهکاری اصلاحی - تبیهی در مقابل نشوز زنان مطرح شده است. دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران در تشریح مفهوم ضرب در آیه مذکور را می‌توان ذیل دو گروه قرار داد: گروه اول - که عمدۀ ایشان در این دسته‌اند - ضرب در آیه را به همان معنای ظاهری و زدن گرفته و معنای دیگری برای آن متصور نشده‌اند و تنها آن را مشروط به زدن دانسته‌اند که بدون خونریزی و جراحت باشد و شرط مسلم را نیز عدم عداوت و دشمنی با زن دانسته و این امر را فقط به عنوان امری ثمربخش در زمینه اصلاح روابط خاص زناشویی گرفته‌اند. قایلین به این معنا، زدن زن در این شرایط را به هیچ وجه ظلم ندانسته و آن را از حیث

راهکاری اصلاحی پذیرفته‌اند و در توضیح آن بیان می‌کنند که این آیه در خصوص افراد وظیفه‌شناسی است که هیچ وسیله دیگری درباره آنان مفید واقع نشده و زدن تنها به عنوان راهکار نهایی به کار گرفته می‌شود. آیة‌الله مکارم در توضیح ضرب به معنای زدن در این آیه به دیدگاه روان‌شناسی نیز اشاره می‌کنند و می‌گوید که از دیدگاه روان‌کاوان برخی زنان دارای حالتی به نام مازوشیسم هستند که گاه این حالت در اینان تشدید شده و تنها راه آرامش آنان نیز تنبیه بدنی است و احتمال دارد که این آیه ناظر به چنین افرادی است که با تنبیه خفیف بدنی آرام می‌شوند و این زدن را می‌توان نوعی درمان روانی برای چنین افرادی دانست (مکارم، ۱۳۷۱: ۳۷۴-۳۷۳).

در این میان، برخی معتقدند که می‌توان ضرب در این آیه را به معنای اعراض و بی‌اعتنایی نیز دانست؛ چرا که در ادبیات عرب به کسی که سخنان بی‌پایه و اساس را بر زبان جاری می‌کند و یا به نوشته‌های دور از منطق استدلال می‌کند، می‌گویند: «فاضربوه علی الجدار»؛ یعنی آن را به دیوار بزنید که کنایه از اعراض و بی‌اعتنایی به سخنان غیرمنطقی و یا به نوشته‌های بی‌محتواست. در این آیه، ضرب به معنای قطع روابط عاطفی با همسر در محیط خانه است؛ به گونه‌ای که گویی زن از کانون خانواده طرد شده است. این نوع برخورد برای این است که زن احساس خطر کرده و رفتار خود را اصلاح نماید (موسوی لاری: ۱۳۹۱).

### ۱-۳-۲. پیشینه پژوهشی

از اهم پژوهش‌های صورت گرفته ذیل آیه ۳۴ سوره نساء و مفاهیم مطرح شده در آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. باقی زاده، رضا، «بررسی و تحلیل مسأله نشووز در تعامل زوجین با توجه به آیة ۳۴ سوره نساء»، بهار ۱۳۸۹، دوفصلنامه بانوان شیعه، دوره ۲۳. در این پژوهش تنبیه بدنی (زدن) بدون اشکال دانسته شده است و در مواردی که زن به تعهد خود عمل نکرد، مرد می‌تواند با این اهرم او را به خواسته خود وادرد.

۲. مصطفوی، حامد، «بازخوانی مفهوم نشووز زن و مرد در قرآن»، بهار ۱۳۹۱، مجله فقه اهل بیت ﷺ، دوره ۱۸، شماره ۶۹. در این اثر این نتیجه به دست آمده که مرد هنگام خیانت و یا خوف خیانت می‌تواند همسر خود را تنبیه کند.

۳. رئیس الساداتی، ریحانه سادات، «خشوفت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی»، بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوفصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده، دوره ۱، شماره ۱. در این پژوهش، با توجه به تفاسیر روایی قرآن، این نتیجه به دست آمده است که قرآن هیچ‌گونه خشوفتی علیه زنان روانداشته است.

۴. قبادی، مریم، «نشوز؛ مصاديق و شیوه‌های برخورد با آن در قرآن»، زمستان ۱۳۹۳، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا<sup>الله</sup>، دوره ۷، ش. ۴. مفهوم «ضرب» در این پژوهش بسیاری کمزنگ است و نویسنده به تبیین این مفهوم نپرداخته است.

۵. خواجه پور، رزیتا، خان بابا، مزگان، «نشوز از دیدگاه آیات و روایات»، زمستان ۱۳۹۵، مطالعات هنر و فرهنگ، دوره ۱، شماره ۱. طبق این مقاله، اگر سخن و پند و دوری‌گزینی، در زن کارگر نیفتاد، مرد می‌تواند او را تنبیه بدنی کند.

۶. بستان، حسین، دهقان نژاد، رضا، «نگاهی مجدد به خشوفت علیه زنان از منظر قرآن»، بهار ۱۳۹۶، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۸، شماره ۲۸. نویسنده بر این عقیده بوده است که مرد به عنوان مجری قانون و نه به عنوان شوهر، با کمترین هزینه می‌تواند «ضرب» را اعمال کند.

از مجموع آثار پیش‌گفته چنین برآمد که هیچ‌یک از اینان به تحلیل روایی آیه در کنار تحلیل لغوی و محتوایی، به گونه‌ای همه جانبه و گویا نپرداختند که همین امر موجب شده تا به رغم بررسی‌های انجام گرفته، خلاصه‌ای در تبیین آیه به چشم بخورد. لذا در این مقاله سعی بر این است تا ضمن توجه به آیه محل بحث، به روایات فریقین در تبیین هرچه بهتر مفهوم این آیه توجه شود و دیدگاه‌های آیة الله خامنه‌ای نیز به عنوان فقیه و رهبری معاصر در جامعه اسلامی در برخورد با زنان مطرح گردد تا ضمن درک درست از مفهوم ضرب در آیه، عملکرد فقیه و رهبر مسلمان – که بر مبنای قرآن و سنت حکم می‌کنند – مشخص گردد.

#### ۱-۴. روش‌شناسی

روش گردآوری داده‌های این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و پردازش آن‌ها به صورت تحلیلی- توصیفی صورت پذیرفته است. نظر به این که این پژوهش، رویکردی تطبیقی و مقایسه‌ای دارد، مباحث ابتدا با روش تفسیر و فقه الحدیثی در دو محور روایات شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار گرفته و سپس بیانات و دیدگاه‌های آیة الله خامنه‌ای بیان می‌گردد. با توجه به ضرورت بحث، روش انتقادی و تحقیق علی نیز در ساختار این پژوهش به چشم می‌خورد.

## ۲. تحلیل داده‌ها

### ۲-۱. مفهوم‌شناسی مصطلحات

در آیه مورد بحث، کلمات و اصطلاحات دارای بار معنایی خاص هستند. از این رو، بایسته است، پیش از ورود به بحث اصلی، این کلمه‌ها معناشناسی شده تا مفهوم دقیق آن‌ها روشن شود.

#### ۲-۱-۱. نشوز

نشوز از نشر به معنای زمین بلند و مرتفع است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۱۷/۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۳۲/۶) و زمانی که می‌گویند نَسَرَ فَلَان، یعنی فلانی قصد برتری بر دیگران دارد (raghib اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۶). در روایات تفسیری اهل سنت نیز برای واژه نشوز دو اصل معنایی حرکت (تعلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۳/۳) و ارتقای (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۵۷/۲) در نظر گرفته شده است. در قرآن کریم این واژه یک‌بار در آیه ۳۴ سوره نساء و دیگر بار در آیه ۱۲۸ همین سوره آمده است که در اولی مراد، نشوز زن (همسر) و در دومی مراد، نشوز مرد (شوهر) است. در خصوص نشوز مردان تنها به این مورد بسنده می‌کنیم که نشوز شوهر همان سرکشی و طغیان او نسبت به همسرش است که مصاديق آن بین مفسران متفاوت است؛ اما در خصوص مفهوم و مصدق دقیق نشوز زن (همسر) - که محل بحث ما در اینجا است - بین مفسران و فقیهان اختلاف است که در پی، با توجه به تفاسیر روایی فرقیین، گفتار فقیهان و روایات بدان پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱-۲. ضرب

برای ضرب معانی گوناگونی بیان شده است؛ از آن جمله زدن دو چیز به یکدیگر، زدن چیزی با دست، عصا و شمشیر، ضرب المثل، رفتن و سیر کردن در زمین (raghib اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۵-۱۰۴/۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۴۱۷۵/۴)؛ ضرب سکه «ضَرَبُ الدَّرَاهِم» (raghib اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۶) و یا معنای استعاره‌ای چون «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلْلَةُ» (آل عمران: ۱۱۲)؛ «هر کجا یافته شوند، به خواری دچار شده‌اند» و معنای تشبيه‌ی چون چکش زدن و مانند آن (raghib اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۶-۵۰۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۴-۱۰۳). همچنین به معنای زدن با دست و یا خواب رفتن (raghib اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۶-۵۰۵؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۷-۱۰۴؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۷۶) و شناخت و معرفت نیز آمده (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۶/۲) در معنای اعراض و رویگردانی نیز به کار رفته است: ﴿أَفَنَضَرَبُ عَنْكُمْ﴾

الذِّكْرَ صَفْحَاً أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (زخرف: ۵) (قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۱۷۶). در مجموع، می‌توان چنین بیان کرد که با توجه به فحوای کلام و محلی که از واژه ضرب استفاده شده، علاوه بر معنای لغوی می‌توان معنای استعاره‌ای و تشییه‌ی فراوانی از آن استنباط کرد.

## ۲-۲. پرسش‌های تحقیق

### ۲-۲-۱. علت صدور حکم ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء

آیه ۳۴ سوره نساء نشوز زن را عامل اصلی صدور حکم ضرب در این آیه بیان کرده و لیکن در مفهوم نشوز میان مفسران فریقین اختلاف است و هر یک، با تمسک به منابع حدیثی و روایی رسیده از امامان مucchوص علیهم السلام و صحابیان و تابعیان مفاهیم گوناگونی را بیان کرده و دایره آن را محدود به اموری خاص دانسته‌اند. در ذیل آرای ایشان بازگو خواهد شد:

#### ۲-۲-۱-۱. عدم تمکین زن در بستر

در حدیثی به نقل از امام باقر علیه السلام نشوز زن به معنای دوری از همستری با شوهر معنا شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۱/۱۳۷). همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه زن در بستر از شوهر اطاعت نکرد، این به معنای نشوز زن است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۵۲۱).

#### ۲-۲-۱-۲. سرکشی و سرپیچی از وظایف

برخی دیگر هم آن را به معنای عصیان و سرکشی از اطاعت گرفته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۴۸؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲/۷۴). در تفسیر الكشف و البیان هم همین مفهوم گفته شده است (علیبی، ۱۴۲۲: ۳/۳۰۳).

در این میان، ملافعج اللہ کاشانی آن را به صورت عام در خصوص زوجین بیان کرده و می‌گوید: نشوز به معنای سرکشی در چیزی است که به آن‌ها واجب باشد (کاشانی، ۱۴۱۳: ۳/۱۹).

#### ۲-۲-۱-۳. سبک شمردن حق همسر

یکی از مفسران این آیه را در مورد حقوق شوی نسبت به همسر بیان داشته و معتقد است که اگر زن هر یک از این حقوق را سبک شمارد، مرتكب نشوز شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳/۹۴۱).

#### ۲-۲-۱-۴. دشمنی نسبت به شوهر

برخی علاوه بر بیان سرپیچی زن از شوهر، کینه و دشمنی نسبت به شوهر را نیز به این مفهوم

افزوده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۵۷/۲).

نظر به پیش‌گفته‌ها می‌توان چنین بیان داشت که علت صدور احکامی چون ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء، نشوز زن است که مفسران مصاديق مختلفی در مفهوم آن بیان کرده‌اند که پیش‌تر مطرح شد. از مجموع این موارد می‌توان چنین برداشت کرد که نشوز زن به معنای عدم انجام وظایفی است که بر او واحب بوده و مرد حق آن است و در صورتی که زن از آن‌ها سر باز نزد، مصدق زن ناشره خواهد شد و پیرو آن مرد می‌تواند احکام بیان شده در آیه را نسبت به او اعمال کند.

### ۳. راه‌کارهای مطرح شده در آیه در مقابل نشوز زنان

این آیه، به ترتیب، سه راهکار در مقابل و پیش‌گیری از نشوز زن را بیان کرده است که در پی خواهد آمد:

#### ۳-۱. پند و اندرز

مرحله اول، در مقابله با نشوز زن، به تعبیر قرآن «فَيُظْهُوْهُنَّ» (نساء: ۳۴) است؛ به این معنا که شوهر، زن خود را موعظه و نصیحت کند و او را به تقوای الهی فراخواند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹۴۲/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۴/۲؛ کاشانی، ۱۴۱۳: ۱۹/۳).

#### ۳-۲. دوری جستن از هم‌بستری

مرحله دوم «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (نساء: ۳۴) بیان شده که برخی آن را به معنای ترک هم‌بستری و جماع با زن معنا کرده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹۴۳/۳؛ کاشانی، ۱۴۱۳: ۲۰/۳)؛ اما برخی دیگر معتقدند که مراد حق تعالی از این عبارت تنها کناره‌گیری و پشت کردن به زن در بستر است (اشکوری، ۱۳۷۳: ۴۷۱/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۴/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۰۳/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۴۸/۱). علی بن ابراهیم در تفسیر خود به روایتی از امام باقر علیه السلام اشاره می‌کند که در آن «هجر» را به معنای دشنام گرفته است؛ یعنی در بستر خواب ایشان را «سب» کنید (۱۳۶۳: ۱۳۷/۱). اشکوری همین سخن را در تفسیر خود نقل کرده و در توضیح واژه «سب» بیان می‌کند که اگر به معنای متعارف مشهور باشد، به معنای دشنام گفتن به زن و در غیر این صورت، به معنای دوری از زن است (۱۳۷۳: ۴۷۱/۱).

#### ۳-۳. ضرب زنان

مرحله سوم، «وَاضْرِبُوهُنَّ» (نساء: ۳۴) است. عمده بحث و اختلاف حول این واژه است. لذا

ضرورت دارد نظرات گوناگون قرآن پژوهان شیعه و اهل سنت درباره ضرب زنان بیان گردد. به همین خاطر، برای روشن شدن هر چه بیشتر موضع اسلام و قرآن در خصوص زدن و ضرب زنان، ابتدا روایات واردۀ از سوی شیعه و اهل سنت مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد و سپس دیدگاه آیة‌الله خامنه‌ای در این باره و نگرش ایشان در خصوص جایگاه زنان مشخص می‌گردد.

در مجموع، سه راهکار برای جلوگیری از نشووزن در قرآن مطرح گردیده که غالب محدثان و مفسران در دو مرحله نخست نظرات یکسانی داشتند؛ مرحله اول پند و اندرز و نصیحت زن است و مرحله دوم دور شدن از زن و فاصله گرفتن از اوست که مصدق آن را پشت کردن و یا ترک بستر بیان کرده‌اند و اما مرحله نهایی که با عنوان «ضرب» بیان شده و عمدۀ بحث ما آنجاست و در پی، با توجه به روایات بیان موقاهد شد.

#### ۴. مفهوم و مصداق حقیقی ضرب در روایات

با مطالعه روایات شیعه ذیل تبیه و ضرب زنان با دو گونه روایت مواجهیم: دسته‌ای از روایات به تبیه جسمانی زنان اشاره کرده‌اند و دسته‌ای دیگر از تبیه جسمی نهی و آن را به آزار روحی محدود می‌کنند:

#### ۴-۱. ضرب جسمی در روایات شیعه

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) به نقل از «ابو جعفر»، ضرب مورد نظر در آیه را به وسیله مسوک بیان کرده است (بی تا: ۱۹۱/۳). پیروی، طبرسی (م ۴۸۵ق) همین نقل را از «ابو جعفر» آورده است (۱۴۰۸: ۶۹/۳) و در ادامه، تمام کسانی که این حدیث را در کتب خود آورده‌اند، حدیث ضرب با مسوک را از کتاب مجمع البیان نقل کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۵/۲؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴۷۸/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۴۹/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۹۸/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۳۳/۹). همچنین یکی از نویسندهای معاصر در مقاله‌ای درصد بوده تا با استفاده از خطبه‌ای از رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> - که البته از نظر سندی ضعیف است - ضرب جسمی زنان را اثبات کند (پور مولا و جلالی، ۱۳۹۴: ۴۵-۶۱).

#### ۴-۱-۱. نقد ضرب جسمی در روایات شیعه

روایتی که بر ضرب زنان با چوب مسواک دلالت می‌کند، در هیچ‌یک از منابع روایی اصلی شیعه، همچون کتب اربعه – که بنیان فقه شیعه بر آن‌ها استوار است – نیامده است.

علاوه بر ضعف «مصدری»، این روایت از نظر «سندي» ضعیف است؛ زیرا این روایت در تمام

کتب شیعه، بدون سلسله سند نقل شده است و نخستین بار در التبیان فی تفسیر القرآن به نقل از «ابی جعفر» نقل شده (طوسی، بی‌تا: ۱۹۱/۳) و طبرسی نیز در کتاب خود به نقل از شیخ طوسی روایت موردنظر را از «ابی جعفر» آورده است (۶۹/۳: ۱۴۰۸) و از آنجا که کنیه امام باقر علیه السلام «ابی جعفر» است، افرادی که این روایت را از طبرسی نقل کرده‌اند، گمان برده‌اند که مراد از ابی جعفر، امام محمد باقر علیه السلام است؛ حال، آن‌که بیشتر ثابت شده است<sup>۱</sup> که این گمان نادرست است (ر.ک: صالحی‌نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۴). از این رو می‌توان گفت که این روایت از معصوم علیه السلام صادر نشده است و دانشوران در این مسأله و نسبت دادن روایت به امام علیه السلام دچار اشتباه جدی شده‌اند. گفتنی است که بیش از تفسیر تبیان هیچ یک از محدثان و مفسران ضرب با مسوک را از امام باقر علیه السلام گزارش نکرده‌اند.

توصیه به ضرب، با سیره و سخنان دیگر معصومان علیهم السلام مخالفت دارد. در میان همسران معصومان علیهم السلام افراد نااھلی وجود داشتند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۹۳/۳؛ طبری آملی، ۱۴۱۳: ۳۹۵)، با این حال، در هیچ روایتی، حتی ضعیف السند و جعلی، دیده نشده است که آنان اقدام به ضرب همسران خود کنند. در مقابل، روایاتی به صراحت بر این نکته تأکید دارند که ایشان هیچ‌گاه زنی را تنبیه فیزیکی نکرده‌اند (ابن بشران، ۱۴۲۰: ۱/۲۵۸؛ خرائطی، ۱۴۱۹: ۱/۴۴). زدن زنان نه تنها با سیره و کلام معصومان علیهم السلام در تعارض است، بلکه این عمل با سنت‌های جاهلی هم در ستیز بوده است؛ برای مثال، حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای از زدن زنان نهی کردن و در علت آن چنین فرمودند:

آنگاه که زنان در شرک به سر می‌برند، مأمور بودیم دست از آنان بازداریم و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب‌دستی بر زنی حمله می‌برد، او و نسل‌های بعدی، او را به خاطر این کار سرزنش می‌کردند (الرضی، ۱۴۱۴: ن۱۴).

مشاهده می‌شود طبق این روایت، زدن زنان در دوران جاهلیت و نزد اعراب بدوى مردود بوده و به طریق اولی، در اسلام - که در صدد برچیدن سنت‌های زشت جاهلی برآمده - این نهی شدیدتر است. با توجه به ضعف سندی روایات و نداشتن مصدری از معصوم علیه السلام و همچنین دقت

۱. صالحی‌نجف‌آبادی در کتاب حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان، ضمن بیست شاهد، ثابت کرده است که جناب طبرسی سخنانی را از «ابی جعفر» از تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی آورده است و گمان برده است که ابی جعفر، امام بنجم شیعیان، امام محمد باقر علیه السلام است. نویسنده این کتاب با تطبیق آن موارد دریافت‌هه است که این سخنان متعلق شخص ابو‌جعفر طبری متوفی ۳۱۰ ق، است (ر.ک: صالحی‌نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۴-۸۳).

در سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه تابعین با زنان، می‌توان چنین گفت که در روایات شیعه هیچ دلیل قطعی و مسلمی بر ضرب جسمی زنان وجود ندارد.

#### ۴-۱-۲. ضرب به معنای آزار روحی در روایات شیعه

پاره‌ای از روایات تفسیری شیعه، «ضرب» در این آیه را با قیدهای ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که این «ضرب» بدون تأثیر و آزار (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳)، بدون خونریزی (بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۴/۲؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۷/۱)، عدم قطع عضو و عدم شکستن استخوان باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۴۸/۱؛ کاشانی، ۱۴۱۳: ۲۰/۳). با دقت در این روایات درمی‌یابیم که اهل بیت ﷺ در صدد بیان چگونگی ضرب زنان اند و اگر در این مساله ژرف بنگریم، متوجه می‌شویم که ایشان با این قیود، قصد داشتند زدن جسمی را نفی کنند؛ زیرا کنک زدنی که بدون آزار، اثر، درد و جراحت باشد، دیگر زدن نیست و به گونه‌ای نقض غرض است؛ چه هدف از «ضرب» در آیه ایجاد تغییر در رفتار «زوجه» است و با این اوصاف درمی‌یابیم که چنین ضربی بازدارنده نیست.

از طرفی، مطابق برخی نقل‌ها، ضرب زنان توسط شوهران به گونه‌ای دیگر تبیین شده است و آن را غیر از ضرب جسمانی دانسته‌اند؛ به طور مثال، در روایتی به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که همسران خود را با چوب تزیند؛ زیرا موجب قصاص می‌شود، بلکه آنان را با گرسنه نگاهداشتند و عدم پوشش تنیه کنید (شعیری، بی‌تا: ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰: ۱۰۰). ملاحظه می‌شود که چنین تبیینی از «ضرب» مطابق با واقع بوده و با روح اسلام سازگارتر است؛ زیرا مطابق پیمان زناشویی زن و مرد مکلف‌اند تا حقوقی را نسبت به یکدیگر رعایت کنند و مرد موظف است در ازای اموری که بر عهده زن است، به او نفعه‌ای پیدا نماید. حال اگر «زوجه» در ازای دریافت نفعه، از عمل به پیمان‌های زناشویی سر باز زند، پر پیدا نماید که مرد می‌تواند حقوق مادی را زاو دریغ کند.

به نظر می‌رسد که این تبیین با سیاق آیه سازگارتر است؛ زیرا در چند عبارت قبل همین آیه،

یکی از دلایل قوامیت مرد بر زن پرداخت نفقه و حقوق مالی عنوان شده است:

﴿فَإِنْ كَحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء: ۲۵).

﴿وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (همان: ۳۴).

#### ۴-۲. ضرب جسمی در روایات اهل سنت

برخلاف روایات شیعه، روایات اهل سنت تنها به ضرب جسمانی زنان اشاره کرده‌اند و در توضیح آن

می‌گویند: برخی زدن را به معنای زدنی می‌دانند که آزاردهنده نباشد (تعلیی، ۱۴۲۲: ۳۰۳/۳). از حسن بصری نقل شده که زدنی منظور است که غیر مؤثر باشد (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۷/۲) و برخی نیز معتقدند که زدن با مسوک و مانند آن مراد است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹۴۴/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۴/۵). ابن ابی حاتم روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که ضرب در آیه به معنای ضرب غیرمُؤثر است (ابن ابی حاتم، است و ابوسلمه، پیرو آن، بیان می‌کند که ضرب غیرمُبرح همان ضرب غیرمُؤثر است (ابن ابی حاتم، ۹۴۴/۳: ۱۴۱۹). همچنین از یک صحابی نقل شده است که شوهر به خاطر زدن همسر خود مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد (بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۹۷/۷). این صحابی همچنین سعی داشته بر خلاف نهی پیامبر ﷺ، از آن حضرت فتوای زدن زنان را بگیرد تا مجوزی برای رفتار خود با زنان باشد؛ برای مثال، در روایتی پیامبر، به صراحت بیان قرمودند که زنان را نزیند، اما وی با استدلال‌هایی کوشید که فتوای تنبیه جسمی را از رسول خدا بگیرد و نتیجه آن شد که حدود هفتاد زن نزد خانواده پیامبر به خاطر تنبیه‌هایی که شوهران علیه ایشان روا داشتند، شکایت بردن (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۶۵/۸؛ ابن حیب، ۱۴۱۲: ۱/۱-۲۴۸؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱: ۱۸۴/۵).

#### ۴-۲. نقد روایات تفسیری اهل سنت

در روایات اهل سنت هم مشاهده می‌کنیم که به ضرب بدون آزار و... اشاره شده است. در قسمت تفاسیر روایی شیعه اثبات کردیم که گرچه چنین ضربی به ظاهر زدن فیزیکی است، ولی با قیدهای مطرح شده در روایات، باید آن را به تنبیه غیر جسمانی حمل کرد.

نقد دیگری بر روایات اهل سنت وجود راویان زن‌ستیز در سلسله سند این روایات است؛ به گونه‌ای که می‌توان نتیجه گرفت که نقل‌های دال بر ضرب جسمانی زنان ناشی از غلبه روحیه زن‌ستیزانه راویان آن بر مضمون روایات است؛ به ویژه آن که اکثر این روایات به عمر بن خطاب بازمی‌گردد که با مطالعه شخصیت وی، به مواردی از بغض او نسبت به زنان پی‌می‌بریم؛ از جمله این که او در دوران قبل از اسلام دختر خود را زنده‌به‌گور کرده (ماوردی البصری، ۱۴۱۹: ۶۷/۱۳؛ نووی، بی‌تا: ۱۶۷/۱۹)، در اوایل بعثت خواهر خود را کتک می‌زد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۳۳/۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۸۹/۱۰؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۲۱۹/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۷۴/۱). افزون بر این، در حضور مهمان به سوی همسر خود حمله‌ور می‌شده است (طحاوی، ۱۴۱۵: ۳۴۲/۶) و مدعی بود که رسول خدا بیان فرموده که وقتی مردی همسرش را کتک می‌زند، مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد (بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۹۷/۷). حتی خشونت او محدود به

محارم خود نبوده، بلکه وی با زنان دیگر – که در مراسم عزا مشغول گریه بودند – با خشونت برخورد می‌کرده و آنان را با وجود نهی پیامبر ﷺ می‌زده است (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۱۶/۵). در روایاتی شاهد این هستیم که برخی زنان به دلیل تندخوبی وی حاضر به همسری او نبودند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳/۵۴؛ طبری، ۲۰۰/۴: ۱۳۸۷). همچنین در تاریخ آمده است که زنی از ترس خشونتهای او دچار سقط جنین شده است (نووی، بی‌تا: ۱۱/۱۹). پرواضح است که چنین شخصیتی با این روحیه خشن و زن‌ستیز در مواجهه با این آیه ساده‌ترین راه را بر می‌گزیند. همچنین در روایات اهل سنت خشونت عده‌ای دیگر از بزرگان نیز گزارش شده است (علبی، ۱۴۲۲: ۳/۳۰؛ موصلى، ۱۴۰۴: ۱/۲۵۳؛ هيثمى، ۱۴۱۱: ۴/۲۵۷).

از روایات شیعه چنین استنباط می‌شود که نظر به عدم صدور روایات مبنی بر ضرب جسمانی از معصوم ﷺ و همچنین داشتن روایاتی معارض با آنان مبنی بر آزار روحی و مضيقه مالی در عوض ضرب جسمانی آنچه به صواب نزدیک‌تر است، همان مفهوم غیرجسمانی در روایات شیعه است. با بررسی نقل‌های اهل سنت و موارد استناد آن‌ها به ضرب جسمانی زنان نیز می‌توان چنین نتیجه گرفت که برخی صحابه برای توجیه رفتار نامناسب خود با زنان آیه را به عنوان مؤیدی بر کارهای خود گرفته تا به عملکرد خود وجهه‌ای دینی دهند. این در حالی است که هیچ دلیل محکم و مستندی بر این امر در منابع اصیل اهل سنت نیست.

## ۵. آیة‌الله خامنه‌ای درباره توهین و ضرب زنان

بر مبنای آیاتی از قرآن کریم<sup>۱</sup> جنسیت انسان‌ها امری عارضی و ثانوی است که هیچ ارتباطی در منزلت و جایگاه افراد ندارد و نباید به صرف زن یا مرد بودن امتیازات و یا کاستی‌هایی برای آن‌ها

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَّأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَّقَبَائِيلٍ لِّتَعَارُفُوا إِنَّ أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْقَاصُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَّبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا را بهیزگارترین شمامت. بی‌تردید، خداوند دنای آگاه است. «إِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِيْنَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِيْنَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِيْنَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِيْنَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُصَدِّقِيْنَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَالصَّائِدِيْنَ وَالصَّائِدَاتِ وَالْحَافِظِيْنَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِيْنَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعْدَ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵)؛ مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راست‌گو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

قابل شد. آیة الله خامنه‌ای نیز در توضیح یکسانی شان انسانی زن و مرد چنین می‌فرمایند که زن و مرد در مسأله انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فکری و علمی هیچ تفاوتی ندارند؛ اما آنچه متفاوت است، قالب زن و مرد است (۹۳/۱۳۰).<sup>۱</sup> بر این مبنای هر گونه رفتار نامناسب نسبت به زنان خلاف شریعت بوده و باید با آن برخورد کرد.<sup>۲</sup>

ایشان به عنوان اندیشمند معاصر و رهبر جامعه اسلامی توجه به امور زنان، چه در محیط خانواده و چه در اجتماع را مورد توجه قرار داده و در موارد گوناگونی، ضمن تأکید بر توجه به کرامت و منزلت ایشان، با برخورد هایی که خلاف احترام و جایگاه زنان بوده برخورد کرده و می‌فرمایند:

زن بودن برای زنان نباید منجر به ستم به آنان شود؛ چرا که زنان و مردان از حیث انسانیت با هم یکسان هستند و نبایستی به خاطر زن بودن، هیچ ستم و ظلمی به آنان بشود (۶۹/۱۰/۱۶).<sup>۳</sup>

در ادامه، به ضرورت کرامت زن در جامعه اسلامی و همچنین نکوهش هر گونه رفتار توهین آمیز نسبت به زنان از منظر آیة الله خامنه‌ای خواهیم پرداخت.

#### ۵-۱. حفظ کرامت و جایگاه والای زنان در جامعه اسلامی

کرامت حقیقی زن به معنای نوع رفتار درست با او به منزله انسان است؛ نه در برخی رفتارهایی که جنسیت زن را در اولویت انسانی او قرار داده و گاه حتی شان انسانی او را فراموش می‌کنند. نمونه‌هایی از این رفتارها در جوامع غربی به چشم می‌خورد؛ مثلاً زمانی که ستاره سینما و هنرپیشه‌ها و زن‌های زیبا را در مسابقات زیبایی احترام می‌کنند، این نوعی تکریم در مقام اهانت و اهانت به شکل تکریم است (۱۵/۱۰/۶۵)؛<sup>۴</sup> چرا که این جسم زنان بوده که ملعوبه قرار گرفته و به حقیقت وجودی اینان، به عنوان نوع انسان توجهی نشده و می‌توان آن را توهین واضحی به زنان در کرامت انسانی و شان حقیقی ایشان دانست.

۱. دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور.
۲. توجه به این مسأله ضروری است که مراد از یکسانی، یکسانی در مقام انسانی است؛ نه آن دسته امور و مسائلی که جنسیت افراد در آن دخیل است؛ همچون: عدم یکسانی در انجام برخی تکالیف دینی، چون ارث، دیه و ... که لازمه عدالت در آن عدم برابری است.
۳. دیدار با اعضای شورای فرهنگی- اجتماعی زنان.
۴. دیدار با پرستاران.

در یک جامعه، نوع رفتار با زنان ناظر به مردان است؛ چه مردان خانواده، مثل پدران، برادران و همسران و چه مردانی که در محیط‌های کار با آنان برخورد می‌کنند. در جامعه اسلامی، بر مبنای آموزه‌های دینی، رفتار با زنان باید احترام‌آمیز، محبت‌آمیز، همراه با نجابت و همراه با عفت باشد (۹۲/۲/۱۱):<sup>۱</sup> چرا که رفتارهای نامناسب نسبت به زنان خلاف منزلت آنان بوده و آن‌ها را از جایگاه اصلی خودشان دور می‌کند. ایشان همچنین از این که در برخی موارد در ایران نیز شأن و جایگاه حقیقی زنان شناخته نشده، اظهار تأسف کرده و بیان می‌کند که بر مبنای آموزه‌های اسلام نوع برخورد با زنان باید همچون نوع برخورد با گل باشد که نیازمند دقت و مراقبت فراوان است.<sup>۲</sup> (۹۵/۲/۲۰).

بر مبنای آنچه از نوع نگاه و دیدگاه‌های آیة الله خامنه‌ای نسبت به زنان در خانواده و جامعه بیان شد و بر مبنای قیاس اولویت<sup>۳</sup> به این نتیجه می‌رسیم که طبعاً ضرب زنان به معنای ضرب و شتم آنان – که هم رفتاری خلاف احترام و هم خلاف انسانیت زن است – کاملاً مردود و منتفی است. در ادامه به نمونه‌هایی از نقدها و برخودهای ایشان با این‌گونه رفتارها اشاره خواهیم کرد.

#### ۵-۲. مذمت هرگونه توهین نسبت به زنان

ایشان هر گونه رفتار توهین آمیز و خلاف شأن و منزلت زنان را مورد نقد قرار داده و توهین رفتاری، زبانی تا وحشی‌گری‌های یدی را مذمت کرده‌اند و هرجا نسبت به زنان بی‌اعتنایی یا ظلمی شده است، برخورد کرده و جامعه را موظف می‌دانند که هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می‌دانند، برخورد سختی کنند (۹۲/۲/۲).<sup>۴</sup> در دین مبین اسلام حد و مرزی برای اجرای عدالت بیان نشده و عدالت حق همه مردم جهان است؛ به طوری که هر فرد مسلمان، در حد توان خود، باید در مقابل ظلم و تعدی به حقوق انسان‌ها واکنش نشان داده و برای اصلاح و احقاق حق آن‌ها گام بدارد. ایشان نیز به عنوان اندیشمند و رهبری

۱. دیدار جمعی از مدارhan.

۲. الْمَرْأَةُ زِيَاجَةٌ وَ لَيْسَتْ بِيَهْمَانَه (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۱۰/۵).

۳. گزیده‌ای از بیانات در دیدار هیأت امنای گروه هماندیشی تحکیم خانواده.

۴. اقوی و اشد بودن «علت» در «فرع» قیاس فقهی قیاس اولویت، قیاسی است که در آن از راه اقوی و اشد بودن وجود علت (مناط حکم اصل) در فرع، حکم اصل به فرع سرایت داده می‌شود و حکم آن استنباط می‌گردد. بنابراین، در مواردی که علت حکم اصل در فرع به صورتی قوی‌تر از اصل موجود باشد، حکم اصل نیز به طریق اولی بر فرع بار شده و به آن سرایت می‌کند (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۵۱ - ۶۵۲).

۵. در دیدار با جمعی از بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی.

مسلمان و بر مبنای آموزه‌های دینی، نه تنها به مسائله احقاق حقوق زنان در ایران و حفظ کرامت ایشان توجه دارند، بلکه رفتارهای زنده نسبت به سایر زنان در سایر کشورها را هم مورد نقد قرار داده و به طور خاص به خشونت‌های خانگی نسبت به ایشان پرداخته و می‌فرماید:

در دنیا، روی کتک خوردن زن به وسیله شوهر، حساسیتی نیست. مردان در اروپا و امریکا نه همه آنان خیلی راحت زنانشان را کتک می‌زنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حساسیتی در دنیا نیست. آمارهایی که ارائه می‌کنند، نشان‌دهنده این است که پدران و شوهران در خانواده‌های امریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم می‌کنند (۶۹/۲۲).<sup>۱</sup>

همچنین ایشان در کنار انتقادات و برخوردهایی که به عنوان رهبر جامعه دینی در مقابل این مسأله بیان می‌کنند، از منظر فقهی هم هر گونه تعرض شوهران نسبت به زنان را خلاف دین دانسته و می‌فرماید:

به طور کلی مرد در زمینه کتک زدن زن هیچ حقی ندارد و اگر در اثر کتک سیاه و یا کبود شود، دیه لازم می‌گردد.<sup>۲</sup>

آیه الله خامنه‌ای به عنوان اندیشمندی اسلامی برای زنان هم در خانواده و هم در اجتماع منزلت والای قابل هستند و با استناد به آیه ۳۵ سوره احزاب، ضمن بیان یکسانی زن و مرد از حیث انسانیت، طبق سیره اهل بیت علیهم السلام نیز برخورد با زنان را همچون برخورد با گل دانسته و اجازه هیچ‌گونه تعرضی به زنان را نمی‌دهند. ایشان همچنین ضمن مذمت و برخورد با مواردی از رفتارهای نامناسب نسبت به زنان؛ از منظر فقهی نیز حق هیچ‌گونه تعرض به زنان توسط شوهرانشان را صادر نمی‌کنند که این مسأله نشان از عدم استنباط با ضرب فیزیکی زنان در آیه ۳۴ سوره نساء توسط ایشان دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بخش نخست، با دو گونه روایت در خصوص تحلیل روایی ضرب زنان مواجه ایم؛ دسته‌ای ضرب در آیه را به معنای آزار جسمی دانسته‌اند که البته آن را مشروط به قبودی چون عدم آسیب و خونریزی به زوجه کرده‌اند. گروندگان به این دیدگاه هیچ دلیل محکم و روایت صحیح السند قابل استناد از معصومان علیهم السلام نداشتند و در مواردی کینه و بعض ایشان نسبت به زنان بود که

#### ۱. دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران.

۲. استفتاء، شما، ه

منجر می شد تا این آیه را دستاویزی برای توجیه کار خودشان قرار دهنند. دسته ای دیگر، ضرب را به آزار روحی معنا کردند که مرادشان مواردی چون در تنگتا قرار دادن اقتصادی زوجه و عدم پرداخت نفقة به ایشان بود. اینان شواهدی از روایات معصومان علیهم السلام برای نظرشان بیان می کنند که همین امر منجر می شد تا این نظر از اعتبار بیشتری برخوردار باشد.

اما در جامعه اسلامی و در بیان رهبر جامعه مسأله زدن زنان، نه تنها مذموم و مردود است، بلکه توصیه به رعایت احترام و جایگاه زنان به کرات به چشم می خورد. ایشان همچنین در مقام فقیه - که با استناد به ادله عقلی و نقلی حکم می دهند - در این خصوص چنین فتوا می دهند که شوهر حق کتک زدن و آزار زن ندارد.

### یافته های پژوهش

۱. علت صدور حکم ضرب در آیه نشوز زن است که به معنای سرکشی از اموری است که در حیطه زناشویی بر زن واجب بوده و جزو حقوق شوهر به حساب می آید؛ اعم از همبستری و خروج از منزل.
۲. سه راهکار کلی در آیه برای مقابله و پیشگیری از نشوز زن مطرح شد که به ترتیب: پند و اندرز، دوری جستن از همبستری و ضرب است.
۳. در کتب روایی شیعه، حتی یک روایت «صحیح» مبنی بر جواز ضرب جسمی زنان توسط شوهران دیده نمی شود. روایات موجود نیز ضرب زن را به قیدهایی مشروط کرده اند که تنها ضرب غیرجسمانی زن از آن ها فهمیده می شود. همچنین پیامبر اکرم علیهم السلام در حدیثی، تنبیه زنان را با محدودیت های مالی بیان می کند که گواهی بر این مدعاست.
۴. آیه در پی تأثیر گذاشتن و بازداری زن از رفتار غیر شرعی است. از این رو، برای اصلاح وی باید به راهکارهای شرعی تمسک جست. قرآن در گام اول، اندرز را پیشنهاد می دهد و در صورت عدم تأثیر، به دوری گزینی از وی فرمان می دهد. در گام سوم و به منظور تأثیر گذاشتن بیشتر و عدم کارگر افتادن فرمان های پیش، حکم به «ضرب» می دهد. پس باید این ضرب به گونه ای باشد که جبران کننده درمان های پیش باشد. پر واضح است که ضرب، اگر منجر به زخم و شکستگی شود، امر به حرام است و از خداوند چنین امری بعید است. از طرفی، اگر ضرب با مسوک و بدون هیچ آسیبی پذیرفتنی باشد، در این صورت، هیچ گونه شدت و اثری ندارد. از



این رو، باید مفهوم ضرب را توسعه داد؛ چنان که ائمه علیهم السلام چنین کرده‌اند و ضرب را در حیطه دامنه اختیارهای مرد نسبت به زن دانسته‌اند و آن نیز ضرب غیر جسمی، یعنی عدم پرداخت نفقه و عدم تأمین نیازهای اساسی است.

۵. آنچه در کتب روایی اهل سنت مبنی بر زدن زنان مطرح شده است، همچون کتب روایی شیعه، اساس و پایه‌ای محاکم ندارد و ضمناً در احادیث اهل سنت، برخی صحایيان به عنوان راوی اصلی این روایات، کینه و بعضی نسبت به زنان داشته و این آیه در واقع دست‌مایه‌ای برای آزادی آنان در آزار زنان شده است و دیگران هم به پیروی از آنان این رویه را دنبال کرده‌اند.

۶. از مجموع فرمایش‌های آیة الله خامنه‌ای چنین برمی‌آید که ایشان، ضمن توجه به حفظ کرامت زن در خانواده و جامعه، هر گونه توهین و تحقیر نسبت به زنان را پذیرفته و بر مبنای حکم فقهی، برای شوهران، هیچ حق تعرضی نسبت به زنان قابل نیستند.

۷. با توجه به آنچه بیان شد، آیه مورد نظر به هیچ روی جواز تنیبه جسمی زنان به وسیله شوهرانشان را صادر نکرده، بلکه تنها ضرب در این آیه به معنای راهکاری اصلاحی بیان شده که البته با توجه به شروطی که پیشتر از روایات بیان گردید، به نظر می‌رسد ضرب در این آیه به معنای آزار روحی، به صواب نزدیک‌تر است.

### پیشنهاد و راهکار

به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده و سوء برداشت از معنای ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء و به دلیل مبتلا به بودن این مسأله در میان برخی از مردم، به ویژه در نقاطی که از حیث فرهنگی ضعیف هستند، به نظر می‌رسد چنان‌چه بتوان در قالب کتاب‌هایی کم حجم، با زبان ساده و قابل فهم برای عموم، این مسأله را بیان نمود، بسیاری از شباهات و عملکردهای نادرست مردم در این باره از میان خواهد رفت.

## كتابناهه

القرآن الكريم، مترجم: محمد مهدى فولادوند.

١. ابن ابى عاصم، ابوبكر. (١٤١١ق). الآحاد والمثانى، تحقيق: باسم فيصل أحمد جوابرة، رياض: دار الراية.
٢. ابن اثير، عز الدين أبوالحسن. (١٣٨٥ق). الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر، چاپ اول.
٣. ابن بشران بغدادى. (١٤١٨ق). أبو القاسم عبد الملك، أمالى، رياض: دار الوطن.
٤. ابن جوزى، جمال الدين أبوالفرح. (١٤١٢ق). المنتظم فى تاريخ الأمم والملوک، تحقيق: محمد عبد القادر عطا و مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.
٥. ابن حَبِّيب، ابومروان عبدالملك. (١٤١٢ق). أدب النساء الموسوم بكتاب العناية والنهاية، تحقيق: عبد المجيد تركى، بي جا: دار الغرب الإسلامى.
٦. ابن حنبل، أبو عبد الله أَحْمَد. (١٤٢١ق). المسند، تحقيق: عبد الله بن عبد المحسن تركى، بي جا: مؤسسة الرسالة.
٧. ابن سعد، محمد. (١٤١٠ق). الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.
٨. ابن شعبه حراني، حسن بن على. (١٤٠٤ق). تحف العقول عن آل الرسول، قم: چاپ دوم.
٩. ابن منظور، محمد بن مكرم. (١٤١٤ق). لسان العرب، تحقيق: جمال الدين مير دامادى، بيروت: دار الفكر، چاپ سوم.
١٠. ابن ابى حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٩ق). تفسير القرآن العظيم، رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ سوم.
١١. ابن بابويه، محمد بن على. (١٤١٣ق). كتاب من لا يحضره الفقيه، تحقيق: على اكابر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ دوم.
١٢. ابن كثير، اسماعيل بن عمر. (١٤١٩ق). تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.
١٣. اشكوري، محمد بن على. (١٣٧٣ش). تفسير شريف لاهيجى، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول.
١٤. باقى زاده، رضا. (بهار ١٣٨٩). «بررسی و تحلیل مسأله نشوذ در تعامل زوجین با توجه به آیة ٣٤ سوره نساء»، دوفصلنامه بانوان شیعه، دوره ٢٣.



١٥. بحراني، هاشم بن سليمان. (١٤١٥ق). البرهان في تفسير القرآن، تحقيق: بنيداد بعشت، قم: مؤسسة البعثة.
١٦. بلاذری، أحمد بن يحيى. (١٤١٧ق). جمل من أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار ورياض زركلى، بيروت: دار الفكر، چاپ اول.
١٧. بستان، حسين، دهقان نژاد، رضا. (بهار ١٣٩٦). «نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ٨، ش ٢٨ / ص ٧٧-١٠٠.
١٨. بیهقی، أبو بکر. (١٤٠٥ق). دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت: دار الكتب العلمية.
١٩. ———، (١٤٢٤ق). السنن الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٠. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیة الله العظمی خامنه‌ای، بیانات سال‌های؛ ٦٥، ٦٩، ٩٢، ٩٣.
٢١. پورمولا، سید محمد‌هاشم و حسن جلالی. (ش ١٣٩٤). «بررسی فقهی تنبیه بدنش زوجه»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ١، دوره ٤٨.
٢٢. ثعلبی، احمد بن محمد. (١٤٢٢ق). الكشف والبيان عن تفسير القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول.
٢٣. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. (١٤١١ق). المستدرک على الصحيحین، تحقيق: مصطفی عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٤. حوزی، عبدالی بن جمعه. (١٤١٥ق). نور الثقلین، تحقيق: هاشم رسولی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
٢٥. خواجه پور، رزیتا و مرگان خان بابا. (زمستان ١٣٩٥). «نشوز از دیدگاه آیات و روایات»، مطالعات هنر و فرهنگ، دوره ١، ش ٥١/١ - ٥٩.
٢٦. خرائطی، أبو بکر محمد. (١٤١٩ق). مکارم الأخلاق و معالیها و محمود طرانقه، تحقيق: أیمن عبد الجابر البھیری، القاهرة: دار الآفاق العربية.
٢٧. ذهبی، شمس الدین. (١٤١٣ق). تاريخ الإسلام و وفیات المشاهير والأعلام، تحقيق: عمر عبد السلام تدمیری، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ دوم.
٢٨. راغب اصفهانی، حسين بن محمد. (١٤١٢ق). مفردات ألفاظ القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودی، بيروت: انتشارات دار الشامیة، چاپ اول.

۲۹. الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغة*، تصحیح: صبحی صالح، قم: دارالهجرت، چاپ اول.

۳۰. رئیس الساداتی، ریحانه سادات. (بهار و تابستان ۱۳۹۲). «خشنوت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی»، دوفصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده، دوره ۱، ش ۱.

۳۱. شعیری، محمد بن محمد. (بی‌تا). *جامع الأخبار*، نجف: مکتبه حیدریه، چاپ اول.

۳۲. صالحی نجف آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۹۰ش). *حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری*، تهران: کویر.

۳۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت: دارالعرفة.

۳۴. طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*، قم: بعثت، چاپ اول.

۳۵. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، چاپ دوم.

۳۶. ———. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دارالعرفة، چاپ دوم.

۳۷. طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد. (۱۴۱۵ق). *شرح مشکل الآثار*، تحقیق: شعیب أرنؤوط، بیروت: مؤسسه الرسالة.

۳۸. طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرين*، تحقیق: احمد‌حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.

۳۹. طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *التیبان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *كتاب العین*، قم: هجرت، چاپ دوم.

۴۱. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.

۴۲. قبادی، مریم. (زمستان ۱۳۹۳). «نشوز؛ مصادیق و شیوه‌های برخورد با آن در قرآن»، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا<sup>الله</sup>، دوره ۷، ش ۴.

۴۳. قرشی بنایی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ ششم.

۴۴. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دار الكتاب، چاپ سوم.

۴۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغائب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.



۴۶. کاشانی، فتح‌الله بن شکر‌الله. (۱۴۱۳ق). *منهج الصادقين فى إلزام المخالفين*، تهران: اسلامیه، چاپ اول.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). *الكافی*، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
۴۸. ماوردی بصری، أبو الحسن علی بن محمد. (۱۴۱۹ق). *الحاوی الكبير فی فقهه مذهب الإمام الشافعی*، تحقيق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل أحمد عبد الموجود، بیروت: دار الكتب العلمیة.
۴۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۵۰. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی. (۱۴۰۶ق). *روضۃ المتقدین فی شرح من لا يحضره الفقيه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۵۱. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹). *فرهنگ نامه اصول فقه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۵۲. مصطفوی، حامد. (بهار ۱۳۹۱). «بازخوانی مفهوم نشوی زن و مرد در قرآن»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، دوره ۱۸، ش ۶۹/ص ۷۶-۱۲۷.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ دهم.
۵۴. موسوی لاری، سید مجتبی. (خرداد و تیر ۱۳۸۱). «نگرشی جدید بر معنای ضرب در قرآن»، *ماهnamه معارف*، ص ۴۹-۵۳.
۵۵. موصلی، أبویعلیٰ أحمد بن علی. (۱۴۰۴ق). *مسند أبی‌یعلیٰ*، تحقيق: حسین سلیم اسد، دمشق: دار المأمون للتراث.
۵۶. نووی شافعی، محیی الدین أبو ذکریا. (بی‌تا). *المجموع*، بی‌جا: دار الفکر.
۵۷. هیشمی، أبو الحسن نور الدین. (۱۴۱۱ق). *مورد الظمان إلى زوائد ابن حبان*، تحقيق: حسین سلیم اسد ڈارانی، دمشق: دار الثقافة العربی؟؟ ناقص است (خوشرفتار)